



نقیسه زارع‌کهن

**مرداد امسال** شاید برای حسن روحانی متفاوت‌تر باشد؛ چراکه هم قرار است دوباره به‌عنوان رئیس دولت دوازدهم انتخاب شود و هم کابینه‌ای را معرفی کند که متفاوت‌تر از قبل باشد. اصلا همین بحث معرفی کابینه به محلی برای رایزنی‌های مختلف احزاب، گروه‌ها و رسانه‌های مختلف تبدیل شده است و مجلس هم از این میانه دور نیست.

اخبار و شنیده‌های مختلفی درباره چنین کابینه و رفتار رئیس‌جمهور در قبال آن منتشر شده است و هر روز فهرستی احتمالی از سوی یکی از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. کابینه موضوع اصلی گفت‌وگوی «شرق» با غلامرضا حیدری، نماینده تهران و عضو فراکسیون امید مجلس، بود. از وی درباره رفتار فراکسیون امید با رئیس‌جمهور درباره کابینه پرسیدم و اینکه آیا اصلا سهم‌خواهی اصلاح‌طلبان از کابینه خوب است یا بد.

حیدری که تمام سوآلاتم را صورت‌انه جواب داد، معتقد بود که حداقل انصاف از سوی روحانی حضور اصلاح‌طلبان در کابینه است و بعید است مجلس بخواد با فهرست معرفی شده لجابت کند.

❖ **وارد ماه مرداد شده‌ایم؛ ماهی که قرار است هم دولت تحلیف شود و هم کابینه رای اعتماد بگیرد.** با توجه به اینکه شما هم عضو فراکسیون امید و هم عضو کمیسون برنامه و بودجه مجلس هستید، آیا آقای روحانی از شما و اعضای فراکسیون و کمیسون نظرخواهی و مشورتی گرفته است؟

در دوره‌های دوم و سوم مجلس که من نماینده بودم، معمولا تعاملی دوطرفه وجود داشت؛ یعنی بر طبق رویه معمول، نخست‌وزیر وزرای مد نظر را معرفی می‌کرد (کابینه را) و در کمیسیون‌های تخصصی درباره آن بحث می‌شد؛ مثلا من در آن زمان عضو کمیسیون نیرو، مخابرات و انرژی اتمی بودم. یادم هست ما برای وزارت مخابرات جلسه داشتیم و همین آقای دکتر عارف در جلسه کمیسیون دعوت شده بود که با ایشان صحبت کنیم؛ اما خیلی جالب بود که در همان زمان با تلفن ثابت کمیسیون تماس گرفتند و آقای مهندس موسوی نخست‌وزیر بودند که با ایشان صحبت کردند. بعد معلوم شد بدون اینکه ما سر این قضیه با هم هماهنگی قبلی داشته باشیم، فردی را که ما دنبالش هستیم، آنها هم دنبالش هستند؛ اما اکنون در دوره دهم تا این لحظه به آن صورت که کمیسون‌های تخصصی ورود می‌کردند، وارد نشده‌اند. باین‌حال فراکسیون امید راسا وارد شده و کمیته تعاملی را برای کابینه تشکیل داده است.

❖ **یعنی خودتان این کمیته را پیشنهاد داده‌اید؟**

در مصدابق ورودی نشده است. البته من معترض بودم و در جلسه هم مطرح کردم که این رئیس‌جمهور است که باید بیاید برای تعامل و او طبق قانون اساسی وظیفه‌اش این است که کابینه را به مجلس معرفی کند و مجلس هم طبق قانون وظیفه دارد سوابق وزرا را بررسی و ارزیابی کند و به آنهایی که تشخیص داد، رای موافق بدهد و به آنهایی که تشخیص نداد، رای مخالف بدهد. این در شأن یوزیشن و شخصیت حقوقی مجلس نیست که بخواد به دنبال معرفی وزرا باشد. البته آقای رئیس‌جمهور هم جلساتی را با فراکسیون امید گذاشته‌اند و شنیده‌ام که با فراکسیون‌های دیگر هم ایشان می‌خواهند چنین جلساتی را داشته باشند تا ببینیم چه می‌شود.

❖ **یعنی می‌خواهند درباره کابینه نظرات مجلس را هم جویا شوند؟**

بله.

❖ **در جلسه با فراکسیون امید شما هم حضور داشته‌اید؟**

خیر.

❖ **نمی‌دانید دقیقا چه مباحثی مطرح شده است؟**

من از دوستانی که حاضر بودند، نقل‌قول می‌کنم که آنجا بیشتر بحث‌ها کلی بوده و آقای رئیس‌جمهور تاکید کرده‌اند که بیش از نیمی از کابینه تغییر خواهد کرد؛ اما حالا مصدابق چیست، هنوز مشخص نیست؛ اما بحث جدید دیگری که مطرح شده، این است که آن موقع نخست‌وزیر ترکیب کابینه را با رئیس‌جمهور هماهنگ می‌کردند و الان رئیس‌جمهور با رهبری هماهنگ می‌کند. مجلس هم با توجه به جایگاه رهبری به‌عنوان ولی فقیه حرمت خاصی قائل است و اصل را بر این می‌گذارند که نظرات ایشان رعایت بشود. البته نمایندگان هم وظیفه قانونی دارند که وزرا را ارزیابی کنند و به هر جمع‌بندی رسیدند، رای بدهند.

❖ **محاسن این شیوه چیست؟**

خب محاسنش این است که اصطکاک‌های لفظی یا رسانه‌ای که در جامعه منعکس شده، از میان رفته و احترام آقای روحانی به نظرات مقام معظم رهبری مشخص می‌شود. ضمن اینکه موجب می‌شود یک‌سری اختلاف‌نظرها در مجلس کاهش یابد یا رفع شود.

❖ **آقای حیدری، مدتی است که بحث سهم‌خواهی در کابینه مطرح می‌شود و حتی اصلاح‌طلبان هم در مظان این سهم‌خواهی قرار گرفته‌اند. نظر شما دراین‌باره چیست؟ آیا اصلا از طرف اصلاح‌طلبان چنین سهم‌خواهی وجود داشته است؟**

نظام انتخاباتی به‌عنوان یکی از دستاوردهای تمدن بشر عجین با احزاب است و تیلورش در یک نظام حزبی است و احزاب میان‌دار اصلی می‌شوند. البته احزاب واقعی که ریشه‌دار هستند و پایگاه مردمی دارند؛ به‌این‌ترتیب آنها می‌آیند و رقابت می‌کنند و مردم براساس برنامه‌ای که آن حزب ارائه داده است، رای می‌دهند. کابینه هم خودبه‌خود براساس نظر حزبی که اکثریت آرا را به دست آورده است، معرفی می‌شود و آن پارلمان هم به اصطلاح رای اعتماد می‌دهد. به‌هرحال این حزب است که در مقابل پارلمان مسئولیت معرفی کابینه را دارد و در مقابل مردمی که به آنها را داده‌اند، مسئولیت پاسخ‌گویی دارد. در جامعه ما، نظام انتخاباتی وجود دارد که به خودی خود وجودش مثبت است اما کامل نیست. هنوز احزاب آن‌طور که باید جا نیفتاده‌اند که این دلایل زیادی دارد.

❖ **پس شما هم نبود نظام حزبی را یک نقطه ضعف می‌دانید؟**

یکی از مهم‌ترین دلایلش ذهنیت منفی است که از سابقه تاریخی احزاب به‌ویژه حزب توده در ایران وجود دارد. اما عملا یک‌سری فاکتورهای دیگر هم نقش احزاب را عملا ایفا می‌کنند. مثلا در این چند انتخابات اخیر با محوریت بزرگان اصلاحات و شورای مشورتی اصلاح‌طلبان اعتماد مردم جلب شده و رای اکثریت را آورده.

اما رقابت اردیبهشت ۹۶ دیگر رقابت خیلی جانانه‌ای بود و شاید از ۷۶

جانانه‌تر بود. اما به‌هرحال مردم آمدند و انتخاب کردند. بینگر اید عقلانی، منطقی و تطبیقی نگاه کنید، رئیس‌جمهور منتخب باید نظرات اکثریتی را که به او رای دادند، در نظر بگیرد.

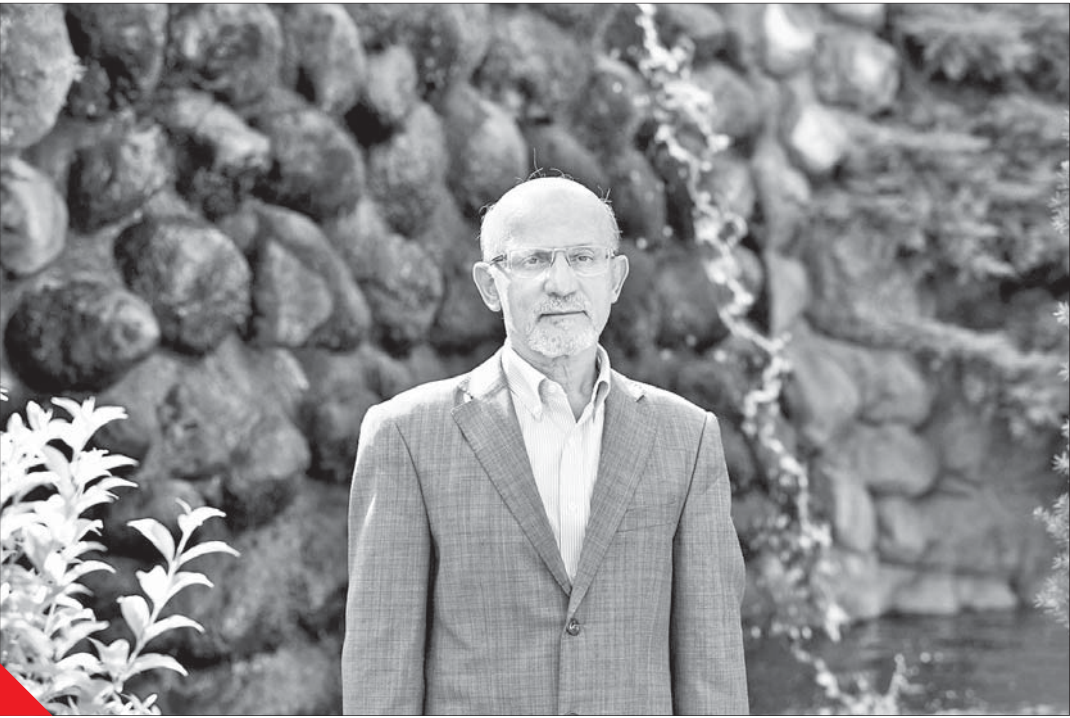
❖ **یعنی دقیقا چه کند؟**

یعنی کابینه را متناسب با تحقق آن خواسته‌ها و اهداف و شعارهایی که موقع انتخابات دادند، تشکیل دهد و این نته‌ها یک امر طبیعی است که می‌خواهم بگویم جوانمردانه هم هست. البته معلوم است وزیری که در پایان، رای اعتماد از مجلس می‌گیرد، وزیری است که به تکت‌کت نمایندگان مجلس طبق قانون باید پاسخ‌گو باشد و نمی‌تواند بگوید من مثلا وزیر پاسخ‌گو برای جماعتی از نمایندگان

**غلامرضا حیدری، عضو فراکسیون امید مجلس، در گفت‌وگو با «شرق»:**

# بعید است مجلس در رأی اعتماد به وزرا لجابت کند

**روحانی از افراد دونبش و چند نبش در کابینه استفاده نکند**



عکس: اصسان فلیچ، شرق

هستم و برای جماعتی دیگر نیستم. نمایندگان طیف‌های مختلف مجلس هم قطعا این جوانمردی را دارند که به‌هرحال انتخاب رئیس‌جمهور باید متناسب با شعارها و خواسته‌های رای‌دهندگانش باشد. در واقع کسی که انتخاب می‌شود باید ملی فکر کند و فراجتاجی باشد. زیرا سوگندی که یاد می‌کند، براساس تأمین منافع ملی ملت و کشور است.

❖ **منظور از این فراجتاجی چیست. آنچه مسلم است این است که باید فرد موردنظر افکار خود را کنار بگذارد و براساس نقشه راه دولت عمل کند اما متأسفانه این‌طور نبوده است؟**

برداشت من از فراجتاجی این است که طرف چندنبش و خدای‌نکرده چندخط باشد. اینکه ظاهر و باطنش یکی نباشد، پیش هر گروهی می‌رود، متناسب با آن خودش را تطبیق دهد که به‌نظم افراد چندنبش معمولا دچار اختلال شخصیتی هستند و در شان نظام جمهوری نیست.

❖ **آقای روحانی اعلام کردند که الان نوبت بود به خواسته ۴میلیون نفری است که با ایشان رای آن دادند. این‌طور که شما صحبت می‌کنید یعنی به نظر شما افراد چندنبش ممکن است در انتخاب می‌شوند باید این باور را داشته باشند می‌کنند که مانع چنین اتفاقی شود؟**

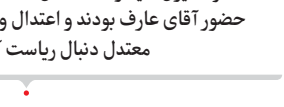
محورهای اصلی برنامه‌ها و دیدگاه‌های کاندیداهای ریاست‌جمهوری خیلی عیان و مشخص بود. آقای روحانی خیلی آشکار و به وضوح بحث تعامل مثبت با دنیا را مطرح کرد و مردم با وجود اینکه نامزدهای رقیب ایشان روی بحث یارانه‌ها تمرکز بودند، آمدند و دکتر روحانی را بار دیگر و بار بار بالا انتخاب کردند. خب معلوم است وزرای که انتخاب می‌شوند باید این باور را داشته باشند

و در این فرازوتنشیب‌های نزدیک به ۴۰ سال جمهوری اسلامی باید به این باور رسیده باشند که نمی‌توان از این طرف حرف‌ها و مواضعی داشت و بعد پشت صحنه رفت و به گونه دیگری رفتار کرد. دونبش بودن یعنی این. اینکه بخواد نظیر رئیس‌جمهور را جلب کند و به‌یک گونه حرف بزند و برود در گروه دیگر و آنجا یک جور دیگر حرف بزند. مجلس هم که آمد، با اینکه سلیقه‌ها و نظرهای مختلف هستند، خیلی شفاف خودش را معرفی‌کند نه اینکه چندپهلو حرف

بزند که آخرش معلوم نشود چه هوتبی دارد. مانند آقای حتجی که در همان ابتدای صحبتشان در مجلس اعلام کردند که مقلد آقای منتظری هستند. پس اینها به نظر من حداقل ویژگی‌های شخصیتی فردی است که می‌خواهد در حد یک وزیر معرفی شود.



**بخش اعظم آنهایی که با لیست امید به مجلس دهم آمدند در عمل اصلاح‌طلب نبودند و اصلا سابقه اصلاح‌طلبی نداشتند، خودشان هم دیدگاه اصلاح‌طلبی نداشتند.** بنابراین وقتی که مجلس دهم شروع شد، فراکسیون امید نه همه آن ۱۷۰ نفر رای‌افزانه به مجلس خواستار حضور آقای عارف بودند و اعتدال و توسعه‌ای‌ها یا اصولگرهای معتدل دنبال ریاست آقای لاریجانی



❖ **به سن صریح گفتفید که آیا اصلا اصلاح‌طلب‌ها دنبال سهم‌خواهی هستند؟**

اگر نظام انتخابی ما انتخاباتی با حضور احزاب بود، این مسائل دیگر حل شده بود. حالا که این‌طور نیست به نظرم رئیس‌جمهور حداقل انصاف و جوانمردی و شفافیتش در این است که آن یاران همفکری که به قول خودش پاشنه‌کش‌ها را بالا کشیدند و آمدند و ریسک کردند، در کابینه کنار خودشان داشته باشند. ضمن اینکه به نظر من رقیب هم حداقل انصاف و جوانمردی‌اش در این است که به آقای روحانی توصیه‌کند از این افراد در کابینه بهره نبرد. منتها ویژگی‌های خاصی را هم باید دارا باشد یعنی به هر حال کاربلد باشد، کاردان باشد، بتواند گره‌ای از مشکلات باز کند و در آن حوزه‌ای که می‌خواهد وزیر شود، جذب سرمایه‌گذاری داشته باشد.

❖ **شما به نوعی از وظیفه آقای روحانی برای انتخاب اصلاح‌طلبان سخن گفتید و البته به نوعی از عدم رابطه دوسویه گلایه کردید.** ما در ایام انتخابات، آقای روحانی‌ای که دیدیم آقای روحانی‌ای بود که از بدنه اعتدال‌گرای که در سال ۹۲ خودش مطرح می‌کرد، جدا شده و بیشتر به سمت اصلاح‌طلبی آمده بود، آیا تعامل ایشان با بدنه اصلاح‌طلبی متناسب بوده است؟ این تعامل چگونه باید باشد که هم دکان دونبش حساب نشود و هم اینکه تعاملی و فراجتاجی باشد؟

ایشان همان‌طور که خودش در جبهه اصولگرایان بوده، ولی مدل ذهنی‌اش تغییر کرده و به شاخص‌هایی رسیده است که همین نقطه نظرات اصلاح‌طلبی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایش، واقع‌بین بودن است. ضمن اینکه واقعا خودش، کشورش و ملتش را تافته جدابافته از دیگر کشورهای دنیا نمی‌داند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایش این است که آنچه را خودش می‌داند حق مطلق نمی‌بیند و به همان اندازه که برای نظر خودش، حق قائل است که ممکن است درست باشد، نظر دیگری را هم می‌تواند حق ببیند. مهم‌ترین ویژگی دیگرش این است که نمی‌خواهد با تنش و درگیری به سمت مواجهه کشورهای دیگر دنیا برود، بلکه می‌خواهد اختلافات را حل کند. می‌خواهد با گفت‌وگو و احترام با دنیا سخن بگوید. این خیلی مهم است، پس می‌توانم بگویم که دونبش‌بودن چیز دیگری است. یک چهره دونبش آن است که می‌خواهد بیاید و مثلا مردم قبول رئیس‌جمهور شود، خودش را یک جور

## سیاست

زاویه

## جوان‌گرایی در دولت دوازدهم

مجید سلیمی بروجنی؛ در چند هفته اخیر، بحث بر سر جوان‌سازی کابینه دولت دوازدهم بسیار بوده است. مدیران سنتتی که زمانی از مدیران جوان دهه اول و دوم انقلاب بوده‌اند، امروز و با گذر از مرحله جوانی، رفتارهایی محافظه‌کارانه از خود بروز می‌دهند. در چند سال اخیر به ندرت به جوانان فرصت حضور در عرصه‌های مدیریتی کشورمان داده شده است. امروزه مدیران بسیاری بر سر کارند که سن زیادی از آنان گذشته و فاقد انرژی و تحرک لازم هستند یا با وجود سالخوردگی، دانش مدرن اداره مجموعه خود را ندارند.

دولت دوازدهم چاره‌ای به جز جایگزین‌کردن و نصب مدیران جوان ندارد که البته این‌س کار نیز باید با برنامه باشد. جوان‌گرایی در کشور امری ضروری است که البته تاکنون هم در نشده است. اما اقدام امروز بهتر از موکول‌کردن آن به آینده است. اگر همین امروز این پروسه آغاز شود، تا پنج‌شش سال آینده جوانان قابلی می‌توانند وارد عرصه مدیریت کشور شوند.

معرفی کند، بعد که وزیر شد، در عمل جور دیگری رفتار کند. به نظر من بعضی از اعضای حزب اعتدال و توسعه به آقای روحانی نته‌تها خدمت نکردند، بلکه بسیار جفا کردند.

❖ **چرا؟**

از همین زاویه‌ای که عرض کردم.

❖ **یعنی منتقدید که بعضی از اعضایشان دکان دونبش زدند؟**

نمی‌خواهم وارد مصادیق شوم.

❖ **حالا که بحث اعتدال و توسعه را گفتید، بحث تعامل آقای روحانی و اصلاح‌طلبان از ابتدا تاکنون را چگونه می‌بینید؟**

اگر بخواهم واقع‌بینانه بگویم، درمجموع خوب ارزیابی می‌کنم، بالاتر از آن خیلی خوب و عالی را داریم، پایین‌تر از خوب هم متوسط را داریم. من ایشان را خوب ارزیابی می‌کنم. با توجه به واقعیت‌ها و اینکه ایشان باید برای کابینه از مجلس نهم رای اعتماد می‌گرفت، کابینه قابل‌قبولی برای اصلاح‌طلبان بود. دیدم که به‌هرحال بعضی از وزرا افتادند و مثلا انتخاب وزیر علوم کابینه یازدهم خیلی فرازوتشیب پیدا کرد.

❖ **چطور این نمره خوب، می‌توانست خیلی خوب یا عالی باشد؟ چطور شد که نشد و شما نمره خوب را دادید؟**

شاید مجلس دهم که شروع شد، ایشان می‌توانست یک‌سری اصلاحات بنیادی‌تر در کابینه انجام دهد، منتها نشد دیگر.

❖ **پیش‌بینی شما چیست؟ این تعامل بیشتر می‌شود یا به سمت کمترشدن می‌رود؟**

بر اساس آخرین صحبت‌های ایشان در جلسه هیئت دولت در چهارشنبه و هیئت‌رئیس‌ه فراکسیون امید که با ایشان جلسه داشته، امیدواریم که این تعامل عملیاتی‌تر شود؛ یعنی از حد حرف به سمت عمل بیشتر برود، ولی باید منتظر بمانیم.

❖ **بحث رای اعتماد با کابینه مطرح شد، می‌خواهم ببینم آیا فراکسیون امید برنامه خاصی برای رای اعتماد به کابینه دارد؟ آیا هماهنگی صورت گرفته است؟**

فراکسیون امید کار قابل‌قبول و منطقی‌ای انجام داد و یک‌سری شاخص‌ها را درآورد و بر اساس آن شاخص‌ها کابینه موجود را ارزیابی کرد و دوستان نمره

دادند و طبق محاسبات آماری استخراج کردند چند نفر در قسمت خیلی خوب افتادند، چند نفر در قسمت متوسط افتادند، چند نفر هم ضعیف افتادند. اینها را هم آقای دکتر به‌عنوان رئیس فراکسیون تقدیم آقای روحانی کردند و انتظار این است که آقای روحانی به این توجه کند. ما درواقع حمایت از آقای روحانی را در این می‌دانیم که ایشان بتوانند به وظیفه قانونی‌شان عمل کنند و ارزیابی واقعی‌کنند؛ بر اساس آن شاخص‌ها و اهدافی که این کابینه انتخاب شده است.

❖ **آیا ممکن است که در بحث رای اعتماد با اصولگراها هم رایزنی‌هایی داشته باشید و با آنها گفت‌وگو کنید؟**

من یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصلاح‌طلبی را همین بحث تعامل و گفت‌وگو و … می‌دانم. ما وقتی شعار تعامل با خارج از کشور را سر می‌دهیم داریم به دنیاای خارج می‌گوییم که اهل گفت‌وگو و دیالوگ هستیم. طبیعی است که با دنیاای داخل باید این به‌هم‌راست پذیرفته‌تر باشد. منطق هم این را می‌گوید که با همه گروه‌های داخل مجلس باید تعامل و گفت‌وگو داشته باشیم تا بتوانیم به نظرات متناهی برسیم.

❖ **پس یعنی گفت‌وگو با فراکسیون اصولگراها را برای رای اعتماد به کابینه هم در برنامه‌تان دارید؟**

بله، البته این نظر شخصی من است.

❖ **آقای حیدری، در مورد بحث عملکرد فراکسیون امید خیلی انتقادات مطرح است.** اگرچه شاید توقع بیش از اندازه بوده است، اما بازتاب بیرونی عملکرد فراکسیون امید چیزی نبوده که خیلی‌ها توقع داشته‌اند. نظر خودتان چیست؟ چرا به نظر می‌آید که این فراکسیون آن‌طوری که باید عمل نکرده که همه بیایند و بگویند نمره ۲۰ یا ۱۹ به آن می‌دهیم.

این را باید بر اساس اصل واقع‌بینی نگاه کنیم. واقعیت این بود که به‌هرحال بخش اعظم آنهایی که با لیست امید به مجلس دهم آمدند در عمل اصلاح‌طلب نبودند و اصلا سابقه اصلاح‌طلبی نداشتند، خودشان هم دیدگاه اصلاح‌طلبی نداشتند. بنابراین وقتی که مجلس دهم شروع شد، فراکسیون امید و نه همه آن ۱۷۰ نفر رای‌افزانه به مجلس خواستار حضور آقای عارف بودند و اعتدال و توسعه‌ای‌ها یا اصولگرهای معتدل دنبال ریاست آقای لاریجانی.

از طرفی با توجه به جوانمردی آقای عارف در سال ۹۲ (با وجود انتقاداتی که به ایشان وارد می‌کنند)، زمانی که اصلاح‌طلب‌ها در غربت به‌سر می‌برند ایشان پرچم اصلاح‌طلبی را به دوش کشید. این یک امر طبیعی بود که ایشان به‌عنوان لیدر کار بیاید و به‌عنوان رئیس مجلسی جدید فعالیت کند، اما همان‌موقع خود من از آنها بی‌خبر بودم که دقت کردم ببینم که این احزاب اصلاح‌طلب نظرشان چیست؟ درعین‌حال که من به آقای عارف ارادت داشتم، ولی به‌هرحال واقع‌بینی را هم داشتم و خلاصه بحث رای‌آوردن بود و نمی‌خواستیم که در بین اصلاح‌طلبان انشقاق ایجاد شود؛ مثلا دقیقا یادم هست که از آقای مرعشی به‌عنوان کارگزاران پرسیدم کارگزاران به‌عنوان یک حزب نظرش نسبت به آقای عارف چیست؟

ادامه در صفحه ۱۱

یادداشت

## ورشکستگی در انتظار تصدی‌گری دولتی

**سیدحسین میرطهماسب**، کارشناس مدیریت

حضور دولت در بخش‌های مختلف در جایگاه حکمیتی و نه اجرایی، از جمله ویژگی‌های حکمرانی خوب است. اقتصاد دولتی، اقتصادی بسیار آسیب‌پذیر است و تجربه شوروی و کشورهای اروپای شرقی مبین این نکته است. بنابراین دولت نمی‌تواند تمام بار مسئولیت اقتصادی را خود به‌تنهایی برعهده بگیرد و بر دوش بکشد. اگر بر دوش کشوری که بسیار پیشرفته هم باشد، این همه بار بگذارند، زیر فشار آن خرد خواهد شد، چه رسد به کشوری مانند ایران. یکی اینکه باید به سمت تمرکززدایی در دولت حرکت و فعالیت‌ها را به بخش خصوصی و نهادهای صنفی و مدنی واگذار کنیم. بخش خصوصی باید قدرتمند شود که در نتیجه عرصه برای فعالیت جامعه مدنی گسترده می‌شود. دوم اینکه وقتی به سمت خصوصی‌سازی و تمرکززدایی حرکت می‌کنیم، باید برای اجرای قوانین، بسیار جری برخورد کرد. یعنی قانون باید کاملا حاکم باشد. از نظر اخذ مالیات، ضمانت‌های اجرایی آن، قوانین کار و امثال آن همچنین پاسخ‌گوبودن مسئولان، اگر فقط حاکمیت قانون مستقر و با تمام افراد به صورت یکسان برخورد شود، تحت این شرایط فساد اداری هم از بین می‌رود. ولی فقدان قانون و فریه‌شدن بخش دولتی که عموما ضدنواوری و خلاقیت نیز هست، طبیعتا اقتصاد را ناکارآمد می‌کند و زمین می‌زند. شرکت‌های دولتی یا متعلق به سایر نهادهای رسمی، غالبا با آفت‌های زیر مواجه می‌شوند. این آفت‌ها در مدیریت‌های مختلف فرار و فرود خواهد داشت اما در نهایت شرکت‌ها را به سمت ورشکستگی سوق خواهد داد.

**پارتی بازی و باندبازی**

واقعیت‌های چند دهه گذشته نشان می‌دهد با تغییر دولت‌ها و مدیریت‌های کلان مدیریت شرکت‌های زیرمجموعه دولت نیز تغییر می‌کنند و آنچه نقش مهمی در این تغییر دارد، شاخص‌هایی مانند رفاقت و لابی‌های سیاسی برای بست‌های غیرسیاسی و تخصصی بوده است که خسارت‌های پیدا و ناپیدا ی این روند مخرب بسیار سنگین است. این‌گونه تصمیم‌گیری‌ها میلیاردها دلار به اقتصاد ملی خسارت وارد کرده است.

**تضعیف شایسته‌سالاری**

وقتی مدیرعامل سیاسی انتخاب شد، شایسته‌سالاری در زیرمجموعه وی کم‌رنگ می‌شود و نتیجه آن کاهش بهره‌وری و روند کند رشد یا حتی بعضا نزول و ورشکستگی شرکت‌ها شده است. این تغییرات سیاسی در ذوب‌آهن اصفهان و فولاد مبارکه و چندین شرکت دیگر در دولت احمدی‌نژاد نمونه‌هایی از این خسارت‌های سنگین است.

**تغییرات بی‌دریی مقررات**

در شرکت‌های دولتی مقررات داخلی با تغییر مدیران بالادست و مدیران عامل تغییر می‌کنند و این تغییرات که ناشی از عدم شناخت کامل از محیط کار و بازی‌های مدیران زیردست است، تأثیرات منفی ماندگاری به دنبال دارد.

**هزینه‌های سنگین نیروی انسانی مازاد غیرمتخصص**

برخی مدیران عامل با دادن امتیازات بی‌دریی به پرسنل از جیب شرکت دولتی برای خود اعتبار و محبوبیت کسب کرده‌اند؛ بعضا با این شیوه‌ها هزینه نیروی انسانی را چنان افزایش داده‌اند که شرکت‌ها سودده یا زیاده‌کار شده‌اند. نوع قرارداد کارکنان را تغییر دادند و مزایای آنها را به صورت غیرمتعارف افزایش داده‌اند؛ به گونه‌ای که درآمد شرکت سالانه به ۷۰۰ میلیارد تومان و هزینه نیروی انسانی به ۸۰۰ میلیارد تومان در سال رسیده و مانند سیل ویرانگر شرکت را به اضمحلال کشانده‌اند. متأسفانه در سیستم‌های دولتی از این‌گونه اقدامات بی‌پولیستی به وفور اتفاق افتاده و اکنون هزینه ده‌ها هزار نیروی شرکت‌های ورشکسته از بیت‌المال پرداخت می‌شود و مدیران عاملی که با حرکت‌های بی‌پولیستی این پدیده‌ها را ایجاد کرده‌اند، به خود افتخار می‌کنند زیرا بیشترین محبوبیت را در بین کارکنان آن شرکت دارند و ادعا می‌کنند هیچ مدیرعاملی با محبوبیت آنها در بین کارکنان وجود ندارد!؟

مشکل دیگر شیوه افزایش حقوق کارکنان است که هر سال به صورت رسمی اعلام می‌شود مثلا اعلام می‌شود حقوق کارکنان ۱۷ درصد افزایش یابد؛ این ۱۷ درصد برای افرادی که پایه حقوق پایین دارند و در بخش کاملا خصوصی کار می‌کنند، منجر به افزایش شدید هزینه حقوق و دستمزد نمی‌شود اما در شرکت‌های تحت مدیریت دولت و شرکت‌های با تعداد نیروی انسانی زیاد که بعضا کارگرسالاری نیز حاکم است، بار هزینه‌ای سنگین دارد؛ مثلا کسی که مبلغ ۰۰۰میلیون تومان دریافتی داشت، یکباره ۱٫۵ تا ۱٫۷ میلیون تومان به حقوق ااضافه می‌شود. اما کسانی که حقوق دویملیون‌تومانی دارند، این افزایش زیاد نیست. برای شرکت‌های تحت پوشش مقررات نفت اوضاع بسیار نگران‌کننده‌تر است چراکه سالانه به حقوق‌های کلان پرسنل نفتی حدود ۲۰ درصد اضافه می‌شود و این شرکت‌ها را به سمت اضمحلال پیش می‌برد و اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که اگر سقف تعیین شده از سوی مجلس نبود، ده‌ها هزار نفر از کارکنان تحت پوشش مقررات نفت حقوق‌های بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومانی در ماه دریافت می‌کردند. اگر سقف ۲۸ میلیون تومانی تعیین کرده‌اند و این هم بسیار نخته است؛ یعنی کسی که حقوقش ۲۸ میلیون تومان بود روی همین حقوق ماند و کسی که ۴۴ میلیون تومان بود، با افزایش‌های امسال حقوقش به ۲۸ میلیون تومان رسید؛ یعنی فقط سقف تعیین شد و از طرف دیگر افزایش ۵۲۰درصدی همچنان ادامه دارد. اصلا چیزی به نام سیستم و نظم و چارچوب علمی وجود ندارد. زمانی مزیت ایران برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی از بین رفت و سیستم و شرایط و ججو را به افراد اختصاص داد. غالبا این‌گونه است که هرچه جایگاه و دامنه نفوذ افراد بالاتر باشد، شایستگی بهتری دریافت می‌کنند و سیستم کمی است نه کیفی. سیستم آن نیز مشکل دارد. نظارت دقیق نیز اعمال نمی‌شود و …

منحنی شدت رشد حقوق و مزایای شرکت‌های بزرگ خصوصا شرکت‌های نفتی و پتروشیمی از منحنی سود آنها بسیار تندتر است و با این روند و بستگی به شرایط و میزان سوددهی شرکت‌ها در آینده، در پنج تا ۱۵ سال آینده میزان حقوق و مزایای بسیاری از شرکت‌ها از سود شرکت‌ها پیشی خواهد گرفت و این روند وقتی شروع شد مانند گلوله برقی که از کوک سرازیر شود، هر سال بزرگ و بزرگ‌تر خواهد شد و شرکت‌ها را به سمت نابودی سوق خواهد داد.

ادامه در صفحه ۱۱